معرفي يك نسخه خطي از قرن 13 هجري قمري

آسيه محمدالله

نسخه اي که قصد معرفي آن را دارم از طرف کتابخانه گنج بخش مرکز تحقيقات فارسي ايران و پاکستان در اختيار من قرار گرفته است. همان طور که مي دانيد جمع آوري و تدوين اخبار و روايات مربوط به شرح احوال و تاريخ غزوات يا جنگ هاي حضرت رسول اکرم، محمد بن عبدالله، از نيمۀ دوم قرن اول هجري در مدينه شروع شد و از مصنفات قرن اول و اوايل قرن دوم اثر مهمي به جاي نمانده است. تنها کتاب جامعي که به جاي مانده و به دست ما رسيده، کتاب محمد بن اسحاق است که اخبار و روايات مربوط به ظهور اسلام و شرح احوال و سيرت محمد مصطفي را در بردارد. اين کتاب به نام مؤلف آن و صاحب السيره شناخته شده است. کتاب معروف ديگر سيرۀ ابن هشام است. وي کتاب سيرۀ ابن اسحاق را تلخيص و تهذيب نموده و کتابي تدوين کرده که به «سيره الرسول» يا «سيره النبوي» مشهور است.

 نسخه خطي که به دست بنده رسيده است، با نام «سيرت النبي» در فهرست نسخه هاي خطي کتابخانه گنج بخش با شماره 16744 ثبت شده است. اين نسخه به زبان فارسي و به شکل منظوم، در قالب مثنوي و بر وزن شاهنامه فردوسي، يعني فعولن فعولن فعولن فعل، بحر متقارب مثمن سالم سروده شده است. نسخه مزبور داراي 618 صفحه است و هر صفحه 12 سطر دارد؛ به خط خوش نستعليق است و عناوين آن با خط درشت نوشته شده است. تاريخ کتابت آن قرن 13 هـ .ق است و کاتب و مؤلفش ناشناخته است. اين نسخه شامل 66 عنوان است و آغاز آن افتادگي دارد.

 عناوين اين نسخه عبارت است از: صفت آفريدن نور محمد مصطفي و آفريدن عرش و آدم عليه السلام؛ قصه آمنه مادر محمد؛ معجزه چند در ولادت محمد مصطفي؛ نزول فرشتگان و شق صدر آن حضرت؛ فرستادن خديجه محمد مصطفي را به تجارت؛ جنگ هاي بدر؛ حنين؛ احد؛ در صفت معراج رسول و... . نخستين عنوان اين نسخه: «صفت آفريدن نور محمد مصطفي و آفريدن عرش و آدم عليه السلام» است.

 سراينده اين نسخه حکايت صفت آفريدن نور محمد مصطفي و آفريدن عرش و آدم و نيز قصه قرباني صد اشتر عبدالمطلب را چنين شرح داده است:

 چنين نقل کرد داناي راز که اندر ازل حضرت بي نياز

 چنان خواست کز نور خود در جمال کسي آفريند ز نور جلال

 که باشد بلطف تو منظور او جهاني شود روشن از نور او

 وصالش بسي دلنوازي کند بصد دوستي عشق بازي کند

 پس از نور او نور روي رسول به لطف آفريد از کمال قبول

 چو نور محمد منور بداشت نظرگاه خود را برابر بداشت

 دران وحدتش نور منظور بود نظرگاه حق دايم آن نور بود

 بسي رحمت جودِِ فضلِ جلال برو کرد ايثار روز وصال

 چو شمع تجلي برافروختي محمد چو پروانه پر سوختي

 کمال محبت چنان کار کرد که آئينه خود رخ يار کرد

 پس از ده يکي نور صدر عزيز بصنع آفريدي عجب عرش نيز

 و در عنوان بعدي قصه آمنه، مادر محمد و معجزات پيغمبر آخرالزمان را در شکم مادر چنين شرح کرده است:

 حمليست اين نور از راه حق که دُرِ عيانست اسرار حق

 بصورت سپهدار معني است اين سپهدار دنيا و عقبي است اين

 محمد چراغ اول اولياست امام رسل خاتم انبياء است

 منور شريعت مکمل کند بناي ضلالت معطل کند

 زمشرق بمغرب رسد آگهي که آمد محمد بشاهنشهي

 سراينده اين ابيات ذيل عنوان «معجزه چند در ولادت حضرت محمد»، معجزاتي که هنگام ولادت حضرت محمد رخ داده را شرح کرده است؛ معجزاتي مانند خاموش شدن آتشکده فارس، پر شير شدن پستان خشک شده حليمه که پرورش مايه و ماده اين برکات را به عهده گرفته بود و نيز قصه سرزمين بي آب و گياه که حضرت محمد در آن جا پرورش يافت و بعد از برکت و عظمت وي آن سرزمين پرگياه و سرسبز گرديد. اکنون براي نمونه تعدادي از اين ابيات را نقل مي کنم:

 چو پيدا شدن آن نور مشهور او همه عالم انور شد از نور او

 مطاع فلک گشت از و جبرئيل بمرد آتش فارس خشک آب نيل

 گشادند درهاي هفت آسمان که آمد شهنشاه آخر زمان

 ببودش زجودش پريشان شدند کجا مؤمنان خصم ايشان شدند

 و در آخر درود و سلام بر پيغمبر مي فرستد:

 هزاران درود و هزاران سلام زما بر محمد عليه السلام

 پس از آن حکايت «رعايت کردن محمد علي را» چنين بيان نموده است:

 شنيدم که گوينده اوستاد که در مکه قحطي عجب اوفتاد

 ابوطالب از مال درويش بود زبهر عيالان دلش ريش بود

 سه تن داشت دانا و زيبا پسر عقيل علي بود جعفر دگر

 محمد زبهر رعايت علي به پيش خود آورد از پر دلي

 که تا باشد از غم سبکبار هم که از قحط هم بود پس بار غم

 علي ولي از نبي شاد شد نبي چون علي از غم آزاد شد...

 در آخر کاتب از خداوند لطف و کرم و احسان مي طلبد و بعد هزاران درود و سلام بر پيغمبر مي فرستد:

 خدايا بدين تقويت کن مرا بالطاف خود تربيت کن مرا

 تو باشي خداوند احسان، خود نگهدارم از هم نشينان بد

 توکل بلطف تو داريم و بس که غير از تو ياري نداريم کس